

واقعیت جامعه و پدیده های اجتماعی از نظر امیل دورکیم

حامد بخشی

دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

در این مقاله ابتدا مبانی نظری یا مفروضات زمینه ای مورد استفاده دورکیم در بحث واقعیت پدیده های اجتماعی مطرح شده، سپس به تعریف و گونه های واقعیت اجتماعی در نظر دورکیم پرداخته می شود. پس از آن وجود جامعه به عنوان یک وجود عینی و واقعی در نظر دورکیم مطرح می شود و در نهایت به جمع بندی و نتیجه گیری می پردازیم.

۱- مبانی نظری

۱-۱- ترکیب واقعیت‌های فردی یک ترکیب حقیقی است.

این امر بدین معناست که آنچه از ترکیب پدیده های مختلف فردی در سطح اجتماع (نه جامعه) پدید می آید یک ترکیب حقیقی است. منظور از ترکیب حقیقی این است که عناصر تشکیل دهنده آن، یک کل را می سازند و این کل نه مجموع جبری اجزاء که مرکب از اجزاء و برتر از اجزاء است و بلکه اساساً کیفیتی متمایز از اجزاء و مجموع جبری آنها دارد. بدین رو وجود کل، وجودی دیگر است و دارای هستی خاص و منحصر به فرد است. به عنوان مثال وجود و هستی آب تنها حاصل جمع هستی اکسیژن و هیدروژن نیست، چرا که در این صورت اطلاق لفظ آب به این هستی صرفاً اطلاقی اعتباری خواهد بود. یعنی ما اعتبار کرده ایم که مجموع اکسیژن و هیدروژن را آب بنامیم، اما هستی آب کیفیاً هستی متمایز از وجود اکسیژن و هیدروژن است و لذا دارای هستی خاص خود است.

۱-۲- کل یا ترکیب اجزاء دارای وجود واقعی است.

کل در صورتی که از آن معنای ترکیب حقیقی اجزاء را اراده کنیم، دارای وجود خارجی و عینی خواهد بود. لیکن این عینیت و خارجیت به معنای آن نیست که وجودی در کنار و ضمیمه به وجود اجزاء خود داشته باشد،

بلکه وجودی در ترکیب اجزاء و حاصل ترکیب آنها دارد؛ به عبارتی ترکیب اجزاء موجد وجود جدیدی با ماهیت و هویت خاص خود می گردد.

۲- نظریه دورکیم در مورد جامعه و واقعیت های اجتماعی

۲-۱- تعریف واقعیت اجتماعی از نظر دورکیم

دورکیم وقایع اجتماعی (social facts) را به شیوه های عمل کردن، اندیشیدن (دورکیم، امیل، ۱۳۶۸: ۱۹)، احساس (ایضاً: ۲۹) و به طور کلی هر سازمان معینی از امور فردی (ایضاً: ۳۰) اطلاق می کند. علاوه بر آن وی واقعیت اجتماعی را به «جریان های اجتماعی» نیز نسبت می دهد (ایضاً: ۳۰).

بنابراین در هر جایی که پدیده های فردی در ترکیب با یکدیگر قرار گرفتند، ما دارای واقعیت اجتماعی هستیم؛ خواه این ترکیب جنبه ای ایستا داشته باشد (نظیر قوانین، هنجارها و ...)، خواه ترکیب پویا باشد (از نوع جریانهای اجتماعی) که ترکیب امورات فردی در جهت پویا و حرکت به سمت یک هدف است تا نگهداشت یک الگو.

۲-۲- گونه های واقعیت اجتماعی

دورکیم در مباحث متعددی که درباره واقعیت اجتماعی داشته است، به چند مصداق کلی اشاره نموده است که در اینجا مطرح می گردد:

۲-۲-۱- تصورات جمعی

موضوع اولین مقاله کتاب «فلسفه و جامعه شناسی»، تصورات فردی و تصورات جمعی است. در این مقاله دورکیم ابتدا به تفصیل علیه کسانی که آگاهی و تصورات فردی را صرفاً بازتابی از کنش ها و فعالیت های یاخته های عصبی می دانند، اقامه برهان می کند و استدلال می آورد که هستی تصورات و آگاهی های فردی از گونه ای دیگر است و نمی توان آنها را به صرف تظاهرات فعالیت های عصبی و فیزیولوژیکی تقلیل داد.

«فاعلی که فعلش نور معرفت یافته است هرگز همچون موجودی که کردارش از کرانه های یک دستگاه و بازتاب ها فراتر نمی رود عمل نمی کند، بلکه تردید می کند، کرداری درنگ آمیز دارد، به کنکاش می پردازد و با همین ویژگی است که باز شناخته می شود.»

(دورکیم، امیل، ۱۳۶۰: ۴)

پس از اثبات وجود ترکیبی و عینی تصورات فردی، دورکیم به تعمیم این مطلب بر تصورات جمعی می پردازد. منظور از تصورات جمعی که می توان آگاهی و وجدان جمعی را نیز بدان افزود، آن دسته عقاید، باورها، ایده ها و تصوراتی است که در اعضای جامعه به گونه ای کم و بیش یکسان و با شدت و ضعف متفاوت دیده می شود. به نظر او:

«اگر در مورد تصورات فردی که حاصل کنش ها و واکنش های مبادله شده میان عناصر عصبی هستند و در عین حال متصل و چسبیده به آنها نیستند، هیچ چیز غیرعادی مشاهده

نکنیم، در مورد تصورات جمعی که حاصل داد و ستد و آگاهیهای ابتدایی و عنصرینی می باشند که جامعه متشکل از آنهاست، چه چیز شگفت آوری وجود دارد؟ زیرا تصورات جمعی مستقیماً آفریده آگاهیهای ابتدایی نبوده، بلکه از آنها فراتر می گذرند... استقلال و بیرونی بودن نسبی بوده های اجتماعی نسبت به افراد همان قدر بی درنگ ظاهر می گردد که از آن امور ذهنی نسبت به یاخته های مغزی»

(دورکیم، امیل، ۱۳۶۰: ۳۲)

۲-۲-۲ اخلاق

دورکیم اخلاق را امری زاده جامعه می داند. نیکی ها و بدیها بر مبنای خیر و شری سنجیده می شوند که جامعه تعیین می کند. او ابتدا استدلال می کند که مسلماً هیچ عملی که برای نفع و کامیابی فردی صورت می گیرد نمی تواند شامل صفت اخلاقی بودن گردد. در ادامه عمل فرد برای نفع و کامیابی دیگر افراد چون او چه منفرد باشند و چه کثیر را نیز از حیطه عمل اخلاقی خارج می سازد، چرا که به عقیده او عمل برای کامیابی دیگران چون خود فرد نیز نمی تواند حائز ارزش اخلاقی باشد؛ در نتیجه یک راه باقی می ماند و آن این است که عمل اخلاقی، عملی است که به سود و کامیابی وجودی برتر و والاتر از وجودات فردی و شخصی باشد و آن وجود جامعه است.

«اگر اخلاقی وجود دارد جز گروه متشکل از شمار بیشماری از افراد فراهم آمده، یعنی جامعه نمی توان هدف و موضوعی داشته باشد؛ البته بدان شرط که جامعه همچون شخصیتی کیفی متفاوت از شخصیت های افرادی که آن را تشکیل می دهند نگرسته شود.»

(ایضاً: ۵۱)

۲-۲-۳ ارزش های اجتماعی

آخرین مقاله از کتاب «فلسفه و جامعه شناسی» به موضوع «داوری ارزشی و داوری واقعی» اختصاص دارد. دورکیم در این مقاله به منشا ارزش گذاریهای اجتماعی می پردازد. پرسشی که او در این مقاله سعی دارد بدان پاسخ دهد آن است که چه چیزی موجب ارزش یک شیء یا عمل در جامعه می گردد؟ چه چیزی ارزش آن رفتار یا شیء را تعیین می کند؟ پاسخ دورکیم این است که:

«آنچه ارزش یک شیء را خواهد ساخت، همانا نحوه تاثیر این شیء بر شناسنده جمعی است نه بر شناسنده فردی.»

(ایضاً: ۱۱۴)

«ما به خوبی احساس می کنیم که فرمانروای ارزش گذاریهای خویشتن نیستیم، بلکه موجوداتی مقید و مجبوریم و آنچه ما را مقید می سازد همان آگاهی جمعی است.»

(ایضاً: ۱۱۵)

۲-۳ - جامعه به مثابه یک امر واقعی

اگر منبع و منشأ تصورات، آگاهی، وجدان، اعمال و ارزش های یک شخص، وجود عینی و واقعی خود فرد است، پس برای این امور در جامعه نیز باید ما به ازائی یافت. از این رو دورکیم وجود جامعه را به عنوان یک امر واقعی معرفی می کند که در واقع برآیند تعامل افراد جامعه با یکدیگر است. بدین قرار جامعه دارای شخصیتی خواهد بود که حاصل و برآیند شخصیت های فردی افراد تشکیل دهنده آن است و حیاتی خواهد بود که از ترکیب حیات روانی اشخاص آن جامعه حاصل شده است (ایضاً: ۴۰). بنابراین برای تکمیل و به اتمام رساندن واقعیت اجتماعی باید به وجود اعلی معتقد شد به نام جامعه که هستی او نه صرفاً یک هستی اعتباری و قراردادی بلکه وجودی عینی و واقعی است که از ترکیب وجود افراد آن تشکیل گردیده است. به عبارت دیگر جامعه نه مجموع افراد، بلکه کلی از اجزاء خود است.

« این اوست، برآیند است که می اندیشد، احساس می کند و می خواهد، هر چند نتواند
جز با میانجی آگاهی های جزئی بخواند، احساس کند و یا عمل نماید.»

(ایضاً: ۳۴)

و در نهایت اینکه:

« جامعه فرمانروای ماست، چون بیرون از ما و بر فراز ماست. فاصله اخلاقی میان ما و او
اقتداری برایش می آفریند که اراده ما در برابر آن سر فرود می آورد. اما چون از سوی دیگر در
درون ماست، چون از ما و چون خود ماست، آن را دوست داریم و خواستارش هستیم گرچه با
تمایلی آویخته؛ چراکه هر چه کنیم باز جامعه هرگز به طور جزئی از آن ما نیست و چیرگی او بر
ما بی پایان است.»

(ایضاً: ۷۸)

۳ - جمع بندی و نتیجه گیری

دورکیم بر خلاف استدلال مشروحي که به منظور اثبات واقعیت تصورات اجتماعی می آورد، برای وجود عینی جامعه اقامه برهان نمی کند اما از فحوای مطالب او چنین بر می آید که نتیجه پذیرش واقعیت های اجتماعی از قبیل تصورات جمعی، اخلاق، ارزشها و وجدان جمعی قبول وجود واقعی جامعه است؛ لیکن همانطور که در پیش آمد حتی در بخش تصورات جمعی نیز عمده استدلال او معطوف به اثبات وجود واقعی تصورات فردی است و گویی با پذیرفته شدن این امر راه برای اثبات هستی تصورات جمعی باز می شود. لذا در این بخش عمدتاً جبری بودن و اعمال فشار این پدیده ها به عنوان نشانه هستی واقعی آنها گرفته می شود، هر چند خود اذعان دارد که جبری بودن این پدیده ها تبیین کننده وجود عینی این پدیده ها نیست بلکه صرفاً نشانه حضور آنهاست. از این رو نحوه وجود این امور و اینکه آیا آنها از مقوله اعتبارات هستند یا وجودات واقعی نیاز به استدلال فلسفی دارد که دورکیم بدان نمی پردازد. آنچه او در این کتاب درگیر آن است بیشتر ارائه نشانه های تجربی برای اثبات امری هستی شناختی است.

منابع

- ۱- دورکیم، امیل، ۱۳۶۰، فلسفه و جامعه شناسی، ترجمه فرحناز خمسه ای، تهران، مرکز ایرانی مطالعه فرهنگها
- ۲- دورکیم، امیل، ۱۳۶۸، قواعد روش جامعه شناسی، ترجمه علی محمد کاردان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران